

## بررسی علل فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان تهرانی با نظام ارزشی جامعه

الهه ایمانی<sup>۱</sup>، علیرضا کلدی<sup>۲</sup>، باقر ساروخانی<sup>۳</sup>

(۱) دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(۲) استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(۳) استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*نویسنده مسئول: a-kaldi@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله ۱۴۰۱/۰۷/۰۳

تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی علل فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه انجام شده است. روش تحقیق به صورت آمیخته است. جامعه آماری، دانش‌آموزان و والدین متوسطه دوم شهر تهران بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی پرسشنامه بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، پایه تحصیلی، قومیت، رشته تحصیلی، پایگاه اقتصادی/اجتماعی (۰/۲۲)، مصرف فرهنگی (۰/۳۱)، مصرف مادی (۰/۳۵)، اوقات فراغت (۰/۳۱)، میزان استفاده رسانه‌های جمعی داخلی (۰/۳۶)، میزان استفاده از شبکه‌های مجازی (۰/۴۱)، فضای آموزشی (۰/۳۲) و ارزشهای خانوادگی (۰/۴۵) رابطه مثبت و معنادار است. اما بین متغیرهای اعتقاد دینی (۰/۳۴-)، عواطف دینی (۰/۲۶-)، مناسک دینی (۰/۳۰-) رابطه منفی و معنادار است. بین متغیرهای پایه تحصیلی و رشته تحصیلی با فاصله بین نسلی رابطه معناداری مشاهده نشد تحلیل رگرسیونی داده‌ها نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل می‌توانند ۰/۴۲۳ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در جهت هویت‌یابی و پیوند خود با ارزشهای جامعه با چالش‌های زیادی روبرو هستند لذا زمانی که نمی‌توانند با پاسخهای هویتی درخور جهت تسکین اضطرابات درونی خود روبرو شوند، به تدریج از ارزشهای مسلط فاصله گرفته و با شکاف روبرو می‌شوند.

کلید واژه‌گان: فاصله بین نسلی، ارزش‌های خانوادگی، سبک زندگی.

### مقدمه

فرزندان منجر شده است (شیری، ۱۳۹۷: ۸۷). فاصله نسلی به منزله درک تغییر و شتاب جوامع به سوی آینده متفاوت با وضعیت کنونی است. تحولات و تغییرات نسلی مهم‌ترین مسائل در دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع است (چنگی آشتیانی و چنگی آشتیانی، ۱۳۹۶: ۲)، و قابلیت‌های رو به رشد تکنولوژی، توانایی افزایش ارتقا و تعاملات گسترده را افزایش می‌دهد که فاصله، فرهنگ‌ها و نسل‌ها را از بین می‌برد (رایز و همکاران، ۲۰۲۱: ۱).

فاصله نسلی همیشه و از قدیم وجود داشته است به طوری که نسل جوان باعث نگرانی و دغدغه خاطر بزرگسالان خود بوده است، بطوریکه ۵۵۰ سال قبل از میلاد مسیح سومریان دغدغه از بین رفتن میراث خود توسط جوانان را داشته‌اند (منطقی، ۱۳۸۲: ۲۷۹). این مفهوم پس از جنگ دوم جهانی بویژه در دهه ۶۰ در جوامع غربی مطرح شد به نحوی که اختلاف فرهنگی میان فرزندان و والدینشان را تشریح می‌کرد و امروزه نیز ذهنیت و تجربه نسلی در عصر جهانی شدن به بساخت متفاوتی از هویت نسلی در بین نسل والدین و نسل

در ایران نیز دهه ۵۰ و ۶۰ از دوره‌های حساس و پرفراز و نشیب تاریخ ایران است و در این دوران، رویدادهای مهمی از تاریخ ایران رقم می‌خورد؛ این دو پدیده اجتماعی تغییرات وسیعی را در باورها و بینش‌های نسلی که در آن دوران زندگی می‌کرد به وجود می‌آورد. امروزه بحران شکاف نسل‌ها از مشغله‌ای از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان اجتماعی شده و بررسی عوامل مؤثر بر شکاف بین دو نسل در جامعه کنونی، از جمله مسائل حیاتی و در اولویت است. چرا که کاهش میزان تولد و افزایش طول عمر، به پیری جمعیت جهانی کمک می‌کند و در سال ۲۰۱۵ برآورد شده است تا سال ۲۰۵۰، افراد بالای ۶۵ سال از ۸٫۵ درصد به ۱۶٫۷ درصد افزایش یابد و عموماً در مناطق توسعه‌یافته این میزان به ۲۷ درصد نیز خواهد رسید که این افزایش سن به‌طور بالقوه‌ای تهدیدی برای افزایش فاصله نسلی خواهد بود (هه ۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲؛ رایز و همکاران، ۲۰۲۱: ۷). از طرفی هم تغییرات بین نسل‌ها به حدی است که صاحب‌نظران با نگرانی بسیاری از مفاهیمی چون تفاوت نسلی سخن به میان می‌آورند (وخشوزی، ۱۳۹۵: ۲۴) و شکاف نسلی پدیده‌ای جهانی است که جامعه را به‌سوی دگرگونی و تحول می‌برد و روند مدرن شدن جامعه ایرانی هر روز به مسأله مهم‌تری در مطالعات علوم اجتماعی و انسانی تبدیل می‌شود (چنگی آشتیانی و چنگی آشتیانی، ۱۳۹۶: ۳۵)؛ اما آنچه که می‌تواند بین طرح و اهمیت مباحث بین نسلی در ایران شود یکی این است که با توجه به آمارهای موجود در حال حاضر ایران، یکی از کشورهایی است که دارای جمعیت جوان است و دیگری قرار گرفتن ایران در مرحله گذار تاریخی - اجتماعی است. چرا که جامعه‌ای که در مرحله گذار قرار می‌گیرد، استعداد و آمادگی بیشتری را برای تولید شکاف‌های اجتماعی و تفاوت و فاصله نسلی را دارد. لذا شکاف بین نسلی چه در ایران و چه در جهان امروزه بسیار مورد توجه است. جریان تند و شتاب آلود جوامع جدید، فاصله اندیشه‌ها، افکار، آرمان‌ها

و رفتار دو نسل را وسیع‌تر ساخته است. این فاصله نسلی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران بسیار مهم‌تر است (ولایتی، ۱۳۹۴: ۲). از طرفی هم فاصله نسلی به ترک خانه و فرار از خانه در نوجوانان و جوانان منجر می‌شود و ترک خانه به‌عنوان یک نشانگر مهم در انتقال به بزرگسالی و افزایش شکاف نسلی محسوب می‌شود (گیلسپی و لیپ ۲، ۲۰۱۵: ۵۷)، و در حوزه سازمانی نیز فاصله بین نسلی منجر به تعهد عاطفی بیشتر افراد سالخورده به نسبت افراد جوان‌تر بوده است (جنا، ۲۰۱۶: ۷۶۵). همچنین شکاف نسلی در خانواده‌های روستایی باعث شده که نسل جدید در مقایسه با والدینشان تمایلی به فعالیت در زمین کشاورزی و مزرعه ندارند و مفهوم توسعه روستایی در مناطق روستایی در کشور کنیا شدیداً متأثر از فاصله عمیق نسلی والدین با فرزندان است (لارو و همکاران، ۲۰۲۱: ۸۸۵). بنابراین بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که یکی از معضلات کلیدی و مهمی که اینک جامعه ایران با آن روبروست، عدم برقراری رابطه و تعامل منطقی میان نسل‌های مختلف است که می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات و بحران‌ها گردد، به‌گونه‌ای که امنیت عمومی و نظم اجتماعی را در جامعه با مشکل مواجه کند. مسأله جوانان در ایران و روابط نسلی میان آن‌ها و نسل سالمندتر در دهه‌های اخیر از جهات مختلفی مورد توجه حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است. دانش‌آموزان در طی یک دوره نسبتاً طولانی مدتی که در مدرسه حضور دارند در معرض انواع برنامه‌های آشکار، و پنهان نظام آموزشی قرار دارند، در نگاه نخست آنچه به ذهن متبادر می‌شود و از دستگاه آموزش و پرورش نیز انتظار می‌رود این است که این دستگاه یکی از کارگزاران جامعه‌پذیری در دوران کنونی به شمار می‌آید (حاضری و رضایور، ۱۳۹۲: ۳۶) و آموزش و پرورش می‌تواند فاصله طبقاتی را کاهش داده یا زیاد نماید.

یکی از بارزترین نمونه‌هایی که می‌توان این فاصله بین نسلی را مشاهده کرد، دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از جوان‌ترین قشر جامعه است. نظام آموزش و پرورش در جوامع مختلف مسئولیت انتقال هنجارها و نگرش‌های خاص به فراگیران خود را دارد و در همین راستا نظام آموزشی می‌تواند منجر به ایجاد فاصله نسلی شود (داگری و مک‌کلوی، ۱، ۲۰۱۳: ۳۰). از آنجایی که شکاف نسلی می‌تواند به دلایل مختلفی اتفاق بیفتد، خود می‌تواند ارتباط دوسویه‌ای با مقوله‌هایی مانند تعارض گفت‌مانی، تجربه جهانی‌شدن، آموزش و ارزش‌های دینی داشته باشد. بر همین اساس این پژوهش در نظر دارد تا با پشتوانه ادبیات نظری موجود به علل تعارض گفت‌مان دانش‌آموزان تهرانی با نظام ارزشی جامعه تحلیل کند.

#### پیشینه و ادبیات نظری

برگر و لاکمن (۱۹۶۶) تناقض میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه را یکی از عوامل مؤثر بر شکاف بین نسلی می‌دانند. به عقیده برگر و لاکمن زمانی که فرد آنچه را که در درون خانواده (پرورش اجتماعی اولیه) با آنچه را که در جامعه (پرورش اجتماعی ثانویه) اشاعه داده می‌شود متناقض ببیند دچار نوعی بحران هویت می‌شود. به نظر این دو متفکر در جامعه‌ای که وحدت ارزشی از بین برود، انسان با گروه‌های مختلفی سروکار دارد که در هر یک از آنها یک نوع ارزش خاصی حاکم است که گاه در گروه دیگر ارزش نیست (گراسز و همکاران، ۳، ۲۰۱۲). همچنین امروزه افزایش خانواده‌های پراکنده به لحاظ جغرافیایی، منجر به کاهش ارتباطات بین افراد خانواده به‌ویژه والدین و فرزندان شده و این افزایش فاصله به نحوی منجر به افزایش فاصله نسلی شده و تعاملات معنی‌دار بین بزرگسالان سالمند و نوجوانان به‌شدت کم کرده که این مسئله به‌طور فزاینده‌ای سالمندان را در خطر انزوای اجتماعی و تنهایی قرار داده است (رایز و

همکاران، ۲۰۲۱: ۲). انزوای اجتماعی با افزایش خطر ابتلا به نتایج سلامت نامطلوب، از جمله کاهش عملکرد، کاهش شناختی و زوال عقل همراه است. بنابراین تعاملات بین نسلی بین افراد مسن و نسل‌های جوان‌تر به‌عنوان یک ابزار برای کاهش انزوای اجتماعی در بزرگسالان مطرح است (روث ۴ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱). در همین راستا ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهند که تغییرات قابل توجهی در نابرابری اجتماعی بر اساس سطوح تمایز بین نسل‌های مختلف رخ داده که بر اساس آن شکاف عمیقی بین والدین و دانش‌آموزان به وجود آمده است و بر این اساس مدارس ممکن است بتوانند از طریق تأثیر بر روی شبکه‌های اجتماعی که در میان دانش‌آموزان خود تشکیل می‌دهند، بتوانند تحرک بین نسلی را تحت تأثیر قرار دهند (فلچر و هان، ۵، ۲۰۲۱: ۱).

به طور کلی جوامع غربی از دهه ۱۹۳۰ میلادی به مطالعه نسل‌ها پرداختند و از ۱۹۶۰ این قضیه وارد فاز جدیدتری شده است که از عوامل اهمیت یافتن مطالعه نسل در کشورهای توسعه‌یافته می‌توان رشد فزاینده تکنولوژیکی را در نظر گرفت. در جامعه ایران نیز که مرحله گذار از سنتی به مدرن را طی می‌کند و همین شرایط به ایجاد تفاوت و فاصله بیشتر کمک می‌کند. ایران نیز حرکت به سمت توسعه را در برنامه بلند مدت جای داده است و به تدریج نظام اجتماعی کشور دچار تغییرات بنیادی شده است (فتحی و مطلق، ۱۳۹۰: ۲). به تعبیر اینگلهارت، انقلاب آرامی در حال شکل‌گیری است و یکی از مهم‌ترین این تغییرات، دگرگونی نظام ارزش‌هایی بود که با پایان جنگ تحمیلی و بعد از سال ۱۳۶۸ در دو جهت مرتبط به هم شروع شده است. به‌گونه‌ای که از یک سو ارزش‌های مادی و نابرابری اجتماعی گسترش یافته و از سوی دیگر و همسو با آن ارزش‌های مذهبی تضعیف شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

همچنین با رشد و ترقی جوامع، نهادهای مختلفی ظهور کردند که همانند خانواده در تربیت و اجتماعی کردن افراد

- 1 Dockery & McKelvey
- 2- Berger & lakman
- 3- Grusec etal

- 4 Ruth
- 5 Fletcher & Han

دستیابی به ارزش‌ها و نیازهای مادی - بر اثر همین تجربه بالا رفته است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۷۶).

به اعتقاد زیمل انسان‌ها از دوران کودکی بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند و آن‌ها را درونی می‌کنند ولی با تغییر و تحولات همه‌روزه و سرعت آن در درونی کردن ارزش‌های اجتماعی، فرد را دچار مشکل می‌کند. اجتماعی شدن فراگردی است که انسان‌ها ارزش‌ها، نگرش‌ها و نگرش‌های خود را از طریق خانواده، مدرسه و رسانه، گروه همالان و گروه‌های مرجع، درونی می‌کند. (کوزر، ۱۳۹۰: ۲۶۵). در جوامع پیشین خانواده نقش آموزش را بر عهده داشت اما در جوامع امروزی فرآیند جهانی‌شدن (یا مجموعه‌ای از فرایندها) که مستوجب تحول در سازمان فضای روابط و کنش‌های متقابل اجتماعی (این تحول برحسب قابلیت گسترش، شدت، سرعت و تأثیر سنجیده می‌شود) و مستلزم ایجاد جریان‌های فراقاره‌ای یا بین منطقه‌ای و متضمن شبکه‌های فعالیت، کنش متقابل و اعمال قدرت است. (دیکار، ۲۰۰۸).

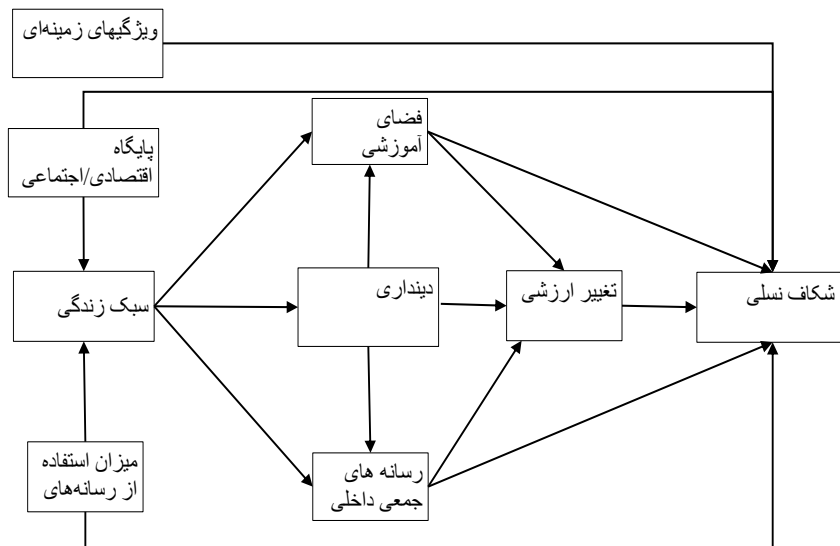
رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت دامنه گسترده‌ای از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید، پیام‌ها و افکار امروزه درون جوامع را به عهده گرفته‌اند تا جایی که برخی صاحب‌نظران معتقدند که رسانه‌های گروهی کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می‌کنند و از جمله سازه‌های مهم اجتماعی فاصله نسلی هستند که علقه بدان‌ها، از جمله کارکردهای مهم رسانه‌های جمعی به حساب می‌آید. استفاده فراگیر و مستمر از رسانه‌ها به‌طور حتم نقش مهم و عمده‌ای در شکل‌گیری یا تقویت افکار و عقاید و نگرش‌های جامعه ایفا خواهد کرد.

رولن رابرتسون می‌گوید تحت تأثیر فناوری ارتباطی و ماهیت نظام سرمایه‌داری و وابستگی متقابل نظام سیاسی فشرده‌گی به وجود می‌آید. فشرده‌گی، همگونی و درهم تنیدگی را به وجود می‌آورد و در نتیجه یک نوع وابستگی متقابل در سطح جهانی به وجود می‌آید که تحت تأثیر آن

نقش دارند. در جوامع پیشین خانواده نقش آموزش را بر عهده داشت، اما در جوامع امروزی فرآیند جهانی‌شدن (مجموعه‌ای از فرایندها) که مستوجب تحول در نگرش‌ها و سازمان فضای روابط و کنش‌های متقابل اجتماعی (این تحول برحسب قابلیت گسترش، شدت، سرعت و تأثیر سنجیده می‌شود) و مستلزم ایجاد جریان‌های فراقاره‌ای یا بین منطقه‌ای و متضمن شبکه‌های فعالیت، کنش متقابل و اعمال قدرت است. «جوانان به مراتب بیشتر از بزرگ‌ترها بر خواسته‌های پسمادی تأکید می‌ورزند و تحلیل گروه‌های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتر بازتاب دگرگونی نسل‌هاست تا انعکاس آثار سالخوردگی؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به دگرگونی ارزش‌ها، فرضیه کمیابی بر پایه دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و یا آثار دوره‌ای است: دوره‌های رونق و شکوفایی اقتصادی به افزایش فرامادگیری می‌انجامد و دوره‌های کمبود به مادگیری، فرضیه اجتماعی شدن حاکی از این است که آثار بلندمدت گروه‌های سنی نیز وجود دارد: ارزش‌های یک نسل معینی بازتاب اوضاع حاکم در طول سال‌های قبل از بلوغش است. این نظریه هیچ اشاره‌ای بر آثار سالخوردگی یا چرخه زندگی ندارد» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸). تجربه جهانی شدن روابط اجتماعی در چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که برخی گروه‌های اجتماعی از قبیل طبقات متوسط، روشنفکران، جوانان و گروه‌های اجتماعی شهری حتی کارگران و کشاورزان و دیگر گروه‌های روستایی، آگاهی فزاینده‌ای نسبت به رخدادهای و جریان‌های زندگی اقصی نقاط جهان پیدا کرده‌اند. افزایش آگاهی منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات آن‌ها شده است. جهانی‌شدن روابط اجتماعی و استفاده روزافزون از برخی رسانه‌های نوظهور که خاصیت شبکه‌ای داشته است، سطح توقعات گروه‌های اجتماعی از زندگی به‌ویژه زندگی شهری را بیش‌ازپیش افزایش داده است و بر این اساس، توقعات اجتماعی در کنار توجه به کیفیت زندگی - و نه الزاماً تلاش برای

آگاهی شکل می‌گیرد (ذبیح پورشاره و همکاران، ۱۳۹۶). آگاهی از بعد تعلق به جهانی واحد و امر جهانی یعنی جهانی شدن شکل می‌گیرد. رابرتسون پیشروی جهانی شدن را بر اساس تضاد و ستیز می‌داند که منطقی مستقل و محتوم دارد تا به شکل‌گیری فرایند جهانی شدن انجامد. جهانی شدن روابط اجتماعی در چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که برخی گروه‌های اجتماعی از قبیل طبقات متوسط، روشنفکران، جوانان و گروه‌های اجتماعی شهری حتی کارگران و کشاورزان و دیگر گروه‌های روستایی، آگاهی فزاینده‌ای نسبت به رخدادها و جریان‌های زندگی اقصی نقاط جهان پیدا کرده‌اند. افزایش آگاهی منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات آن‌ها شده است. جهانی شدن روابط اجتماعی و استفاده روزافزون از برخی رسانه‌های نوظهور که خاصیت شبکه‌ای داشته است، سطح توقعات گروه‌های اجتماعی از زندگی به‌ویژه زندگی شهری را بیش‌ازپیش افزایش داده است و بر این اساس، توقعات اجتماعی در کنار توجه به کیفیت زندگی - و نه الزاماً تلاش برای دستیابی به ارزش‌ها و نیازهای مادی - بر اثر همین تجربه بالا رفته است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۷۶). با جهانی شدن، نگرش ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پایدار متعلق به یک یا چند فرهنگ رفته‌رفته به صورت شبکه‌ی واحدی از روابط اجتماعی درمی‌آید و در نتیجه، روابط اجتماعی که در گذشته به زمان و مکان خاصی مربوط می‌شد، با گذشتن از مرزها و محدودیت‌ها، ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. فرهنگ جهانی که در این فضا متبلور می‌شود، فرهنگی متمایز از فرهنگ‌های خاص است که به هویت تاریخی تعلق ندارد و فرهنگی التقاطی، عام و بی‌زمان است. در واقع، جهانی شدن فرهنگ، موجب ظهور تغییرات بنیادین در نظام فرهنگی و روابط اجتماعی می‌شود (گیروکس، ۱، ۲۰۰۴: ۲۳). جهانی شدن در ابعاد گوناگون بر فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه تأثیر می‌گذارد.

فرآیند جهانی شدن به روش‌های مختلف نگرش افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دلیل تحولات اجتماعی ارزش‌ها، نگرش و انتقال آن‌ها از نسلی به نسل دیگر توسط آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد که اساس این تحولات بنیادی در انقلاب صنعتی و رنسانس قرن هفده میلادی در اروپا قابل توجیه است که جوامع انسانی امروزی را به‌طور کامل با جوامع ماقبل خود متفاوت کرده است. با ورود رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت و... زندگی مردم دستخوش تغییراتی شد که افراد ارزش‌ها و هنجارها و حتی ارزش‌ها و هنجارهای خود را از رسانه‌ها فرا می‌گیرند. از آنجاکه رسانه‌های جمعی ملی حضور زیادی در خانواده‌ها دارند، لذا تأثیر زیادی در اجتماعی کردن و جامعه‌پذیری کردن افراد دارد. اجتماعی شدن فرایندی است که توسط عواملی چون محیط‌های آموزشی، خانواده و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد و تأثیر آن‌ها بر حسب نوع جامعه (سنتی یا مدرن) متفاوت است. در جوامع سنتی خانواده در اجتماعی کردن افراد بیشترین تأثیر را دارد و لسی در جوامع مدرن آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی در جامعه‌پذیری و ساختن نگرش‌ها اجتماعی سهم بیشتری ایفا می‌کند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه چهارچوب نظری که مطرح شد، به نظر می‌رسد. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه عبارتند از: ارزش‌های خانواده، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تجربه جهانی شدن (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های ماهواره‌ای)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی ملی (رادیو، تلویزیون و نشریات) است.



شکل ۱-مدل نظری پژوهش

تمام نقاط استان تهران به پنج قسمت تقسیم می‌شوند که در درون هر قسمت چند مدرسه به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند و در درون مدارس افراد نمونه با توجه به آمار دانش‌آموزان باز به صورت تصادفی چند کلاس از هر پایه انتخاب شده‌اند. اعتبار را با روش اعتبار صوری و تأیید اساتید و صاحب‌نظران به دست آورده شده و پایایی هم با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمد. پس از مشخص شدن جامعه آماری به واحدهای آن جامعه مراجعه کرده، تعداد افراد نمونه‌گیری شده را شناسایی نموده و پرسش‌نامه‌هایی را که از قبل تهیه و مورد پیش‌آزمون قرار بگیرد را در اختیار افراد داده شد. پس از اینکه پرسش‌نامه‌ها تکمیل شده به بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شد. در این مرحله ابتدا کلیه پرسش‌نامه‌های تکمیل شده بررسی شده و داده‌های آن را با استفاده از نرم‌افزارهای spss و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### یافته‌ها

در این قسمت از یافته‌ها، توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای ارائه شده است و بر اساس آن تفکیک جنسیتی تقریباً برابر است و ۰/۵۱ درصد در گروه دختران و ۴۹/۴۹ درصد در دسته پسران هستند. بر اساس یافته‌های توصیفی تعداد اعضای خانواده ۹۷ نفر از دانش‌آموزان ۳ نفره

مدل نظری پژوهش بر پایه ادبیات نظری که پشتوانه آن قرار گرفته تدوین شده و هر کدام از روابط در بخش نظری با یک یا چند نظریه تبیین می‌شوند. برای مثال از نظریات واتس (۲۰۱۹) و ایلوماکی (۲۰۱۱) نظام آموزشی با فاصله بین نسلی و از نظر اورت (۲۰۱۲) جنسیت با فاصله بین نسلی رابطه دارند. ساروخانی (۱۳۹۱) نیز نقش رسانه و گروه همسالان را در فاصله بین نسلی مطرح کرده و به طور کلی آرای فه (۲۰۱۳) و شوردر (۲۰۱۸) تبیین کننده مظاهر جهانی شدن؛ اینگلهارت (۱۳۷۳)، بینهوف (۲۰۱۱) و استپانوا (۲۰۱۴) تبیین کننده نظام ارزشی و نظریات زیمل، گیدنز، اینگلهارت و برگس تبیین کننده فاصله بین نسلی بوده‌اند.

#### روش شناسی

روش تحقیق از نوع کمی و پیمایشی است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه است. جامعه آماری در این پژوهش همه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه پسر و دختر مشغول به تحصیل شهر تهران در مناطق نوزده‌گانه و والدین آن‌ها هستند که ۵۴۸ دانش‌آموز و ۴۴۴ والدین به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده که در آن هر واحد نمونه‌گیری مجموعه‌ای یا گروهی از اعضا است. بر اساس شیوه‌های نمونه برداری خوشه‌ای، خوشه‌هایی از

قومیتی، تعداد ۱۲۳ نفر فارس (۳۱/۵۳ درصد)، ۵۸ نفر ترک (۱۴/۸۷)، ۴۱ نفر لر (۱۰/۵۱)، ۱۶ نفر لک (۴/۱۰) درصد، ۳۹ نفر کرد (۱۰ درصد)، ۸ نفر عرب (۲/۰۵) درصد، ۳۶ نفر شمالی (۹/۲۳ درصد)، ۱۰ نفر بلوچ/سیستانی (۲/۵۶ درصد)، ۳۴ نفر افغانی (۸/۷۱) درصد) و ۲۵ نفر (۶/۴۱ درصد) دیگر از سایر اقوام کشور هستند. به لحاظ مذهبی نیز ۲۹۸ نفر شیعه (۷۶/۴۱) درصد، ۷۵ نفر سنی (۱۹/۲۳ درصد) و ۱۷ نفر (۴/۳۶) درصد) دیگر از سایر اقلیت‌های مذهبی بودند. در ادامه به منظور یافته‌های استنباطی از آزمون‌های متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شده است. فرضیه اول: فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان دختر و پسر با نظام ارزشی جامعه با هم متفاوت است.

هستند که معادل ۲۴/۸۷ از کل فراوانی است و تعداد ۱۳۴ نفر دارای خانواده چهار نفره هستند که آمار آنها معادل ۳۴/۳۵ از کل فراوانی است. همچنین در ترتیب تولد دانش‌آموزان در خانواده، ۱۷۳ نفر فرزند اول، ۹۱ نفر فرزند دوم، ۸۸ نفر فرزند سوم و ۳۸ نفر فرزند چهارم خانواده هستند. به لحاظ پایه تحصیلی نیز دانش‌آموزان پایه دهم ۱۸۵ نفر، معادل ۴۳/۴۷ درصد، دانش‌آموزان پایه یازدهم ۱۰۹ نفر، معادل ۲۷/۹۵ درصد و دانش‌آموزان پایه دوازدهم ۹۶ نفر، معادل ۲۴/۶۱ درصد از پاسخگویان هستند. اطلاعات رشته تحصیلی نیز نشان داده که ۵۲ نفر از دانش‌آموزان (۱۳/۳۳ درصد)، در رشته ریاضی، ۵۹ نفر (۱۵/۱۲ درصد) در رشته انسانی، ۹۴ نفر (۲۴/۱۱ درصد) در رشته تجربی و در نهایت تعداد ۱۸۵ نفر دیگر در پایه دهم هستند که رشته تحصیلی آنها مشخص نیست. از نظر

جدول ۱- آزمون واریانس‌های تاثیر جنس بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان

مفروضات	آزمون لون برابری واریانس‌ها	مقادیر
	F	T
	سطح معناداری	درجه آزادی
همگرایی در روابط	۶/۷۷۷	۷۰۷
فرض برابری واریانس‌ها	۰/۰۰۹	۴۷/۴۴۲
فرض نابرابری واریانس‌ها	-۳/۶۶۶	۴۹/۲۸۲

تایید می‌شود. با توجه به میانگین رتبه‌ها، فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه در میان پسران بیشتر می‌باشد. فرضیه دوم: پایه تحصیلی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی رابطه معناداری دارد.

با توجه به سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس‌ها سطح معناداری ۰/۰۰۹ می‌باشد، چون Sig کوچکتر از ۰/۰۵ است، پس واریانس‌ها همگن و برابرند. فرضیه H1 مبنی بر وجود تفاوت فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه در دو گروه دختران و پسران

جدول ۲- آزمون اسپیرمن رابطه پایه تحصیلی بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری	تعداد
پایه تحصیلی	فاصله بین نسلی و ...	۰/۱۰۱	۰/۰۷۱	۳۹۰

سطح مورد نظر ۰/۰۵ بزرگتر است. نشان از عدم معنی‌داری پایه تحصیلی و فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه می‌باشد. میزان اسپیرمن ۰/۱۰۱ است. در نتیجه با توجه به اطلاعات

با توجه به سطح متغیرها از آزمون اسپیرمن استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر  $Sig = 0/071$  است که از

فرضیه سوم: بین قومیت و فاصله بین نسلی / تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول، فرضیه H0 تایید و فرضیه H1 رد می شود. به عبارتی پایه تحصیلی بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری ندارد. بنابراین فرضیه رد می شود.

جدول ۳- آزمون واریانس ها بین قومیت و فاصله بین نسلی/ تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	وضعیت تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معناداری
		فارس	۱۲۳	۶۱/۲۳			
		ترک	۵۸	۲۹/۳۱			
		لر	۴۱	۲۳/۶۱			
		کرد	۱۶	۱۷/۲۱			
	فاصله	لک	۳۹	۲۱/۲۶			
قومیت	نسلی/ تعارض گفتمان	عرب	۸	۵/۵۱		۰/۴۰۱	۰/۰۱۱
		شمالی	۳۶	۱۹/۶۲			
		بلوچ/ سیستانی	۱۰	۶/۰۰			
		افغانی	۳۴	۱۸/۴۱			
		سایر اقوام	۲۵	۱۵/۴۵			

و بین قومیت و فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین رشته تحصیلی و فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول بالا و مطابق با نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس با توجه به سطح معناداری که برابر با (۰/۰۱۱) است، می توان گفت که از آنجایی که سطح معنی داری آزمون F کمتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض تفاوت میانگین گروه ها رد می شود و در مقابل فرض یکسانی آماری آن ها تأیید می شود. بدین معنی که همه گروه ها از نظر میانگین نمره مورد نظر با بقیه تفاوت دارند

جدول ۴- آزمون واریانس ها بین رشته تحصیلی و فاصله بین نسلی/ تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معناداری
		ریاضی	۵۲	۴۱/۱۹	۴/۶۳		
		انسانی	۵۹	۵۰/۴۱	۷/۳۸		
رشته تحصیلی	رشته تحصیلی	تجربی	۹۴	۶۴/۰۴	۳/۳۱	۰/۴۲۰	۰/۷۲۱
		بدون رشته	۱۸۵	۷۳/۴۰	۵/۷۶		



رد می‌شود و فاصله بین نسلی بر حسب رشته تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: بین پایگاه اقتصادی/اجتماعی با فاصله نسلی/تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

برای تحلیل نتایج آزمون فرضیه فوق از آزمون تحلیل واریانس‌ها استفاده شده است که فرض برابری واریانس‌ها را مفروض می‌گیرد. سطح معناداری ۰/۷۲۱ می‌باشد که بیشتر از ۰/۵ می‌باشد. بر اساس نتایج جدول بالا و مطابق با نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس‌ها و با توجه به سطح معناداری، می‌توان گفت که فرض تفاوت بین رشته تحصیلی و فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان

جدول ۵- آزمون پیرسون رابطه پایگاه اقتصادی/اجتماعی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
پایگاه اقتصادی/اجتماعی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۲۲۹	۰/۰۰۷	۳۹۰

سطح اقتصادی می‌تواند به فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه منجر شود. لذا، می‌توان ادعا کرد دانش‌آموزانی که از نظر اقتصادی در سطح بالاتری قرار دارند، فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان بیشتری با نظام ارزش جامعه دارند.

فرضیه ششم: بین مصرف فرهنگی با فاصله نسلی/تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۷ = Sig است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کمتر است. نشان از تاثیر معنادار پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه می‌باشد. میزان همبستگی پیرسون ۰/۲۲۹ است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تایید می‌شود. می‌توان گفت که مادیات و

جدول ۶- آزمون پیرسون رابطه مصرف فرهنگی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
مصرف فرهنگی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۳۱۰	۰/۰۰۱	۳۹۰

است با نظم هنجاری و ارزشی موجود همخوانی نداشته باشد، تعارض گفتمانی ایجاد کند. از این رو، اثرات مداوم مصرف فرهنگی می‌تواند انگاره‌های ارزشی متفاوتی برای دانش‌آموزان ایجاد کند.

فرضیه هفتم: بین مصرف مادی با فاصله نسلی/تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری دارد.

همانگونه که مشاهده می‌شود مصرف فرهنگی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان موثر است. سطح معناداری ۰/۰۰۱ است که از مقدار ۰/۰۵ کمتر است. لذا می‌توان گفت که مصرف فرهنگی بالاتر باعث می‌شود که فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان بیشتر شود. مصرف فرهنگی با ایجاد بسترهای برای تغییر ارزشی دانش‌آموزان فضای ذهنی آنها را تغییر داده و با مصرف چیزهایی که ممکن

جدول ۷- آزمون پیرسون رابطه مصرف مادی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
مصرف مادی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۳۴۹	۰/۰۰۰	۳۹۰

دارند که با مصرف چیزهای که معمول نیستند، برای خود فاصله و تمایز ایجاد کنند. این فاصله باعث می‌شود علائق، سلائق و گزینش‌های آنها به سوی فعالیت‌هایی برود که سازگاری چندانی با ارزش‌های جامعه ندارند.

هشتم: بین گذاران اوقات فراغت با فاصله نسلی/تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول بالا می‌توان گفت که مصرف مادی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان دانش‌آموزان رابطه معناداری دارد. سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که از مقدار ۰/۰۵ کمتر است. ضریب همبستگی نیز ۰/۴۳ است که مقدار متوسطی را نشان می‌دهد. بنابراین، فرضیه تایید می‌شود. مصرف مادی با ایجاد فرصت‌های برای انتخاب دانش‌آموزان، منجر به تغییر پوشش، رفتارها و در نتیجه تعارض با ارزش‌های موجود می‌شود. در مصرف مادی، افراد با فراروی از هنجارهای محافظه‌کارانه موجود، سعی

جدول ۸- آزمون پیرسون رابطه بین گذران اوقات فراغت با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
اوقات فراغت	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۳۱۶	۰/۰۲۰	۳۹۰

موجود همسان نیستند و در موارد زیادی با آن تضاد نیز دارند. این گذران اوقات فراغت در محیط‌ها و فضاهایی است که بزرگترها وجود ندارد و یا حضور کم‌رنگی دارند. بنابراین، شرایط را برای فاصله و تعارض فراهم می‌سازد.

فرضیه نهم: بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس یافته‌های جدول بالا، گذران اوقات فراغت با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان رابطه معناداری دارد. سطح معناداری ۰/۰۲۰ و ضریب همبستگی ۰/۳۱ است که نشان می‌دهد جهت رابطه مثبت است. گذران فراغت با ایجاد بستری برای کنش‌های آزادانه دانش‌آموزان، ارزش‌های متفاوتی در خصوص زندگی و اطرافیان ایجاد می‌کند. از این رو، انتخاب عمل بیشتری فراهم می‌شود که خودمختاری و استقلال دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند. بنابراین، تجربیات متفاوتی ایجاد می‌شود که با ارزش‌های

جدول ۹- آزمون پیرسون رابطه رسانه‌های جمعی داخلی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
رسانه‌های جمعی ملی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۳۶۱	۰/۰۰۹	۳۹۰

عوامل مؤثر بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه محسوب می‌شوند. و یکی از ابزارهای مؤثر و مفید در این زمینه، «رسانه‌های جمعی» هستند، به گونه‌ای که آن‌ها را در ردیف عوامل شخصیت‌ساز قرار داده‌اند و بر این باورند که رسانه‌های جمعی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف سازند. و به تعبیر ژان کازینو، وسایل ارتباط جمعی می‌توانند به تسطیح فرهنگی و یکسان شدن الگوها و اندیشه‌ها کمک شایانی بکنند. رسانه‌های همگانی به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم اجتماعی کردن مطرح هستند. روزنامه‌ها، نشریات ادواری، مجلات و به ویژه

با توجه به سطح فاصله‌ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰ = Sig است که از سطح مورد نظر ۰/۰۱ کوچکتر است نشان از معنی‌داری رابطه میزان و نحوه استفاده از رسانه‌های جمعی ملی و فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه می‌باشد. همچنین میزان همبستگی پیرسون ۰/۳۶۱ است که نشان دهنده رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه، با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تایید می‌شود. رسانه‌های ملی از

تلویزیون و رسانه های نوین ماهواره ای و الکترونیکی و دیجیتالی، هر روزه مورد استفاده وسیع گروه های مختلف اجتماعی و از جمله نسل های کودکان، نوجوانان و جوانان قرار می گیرد و نگرش و عقاید آنها را تحت تأثیر قرار می دهد و انواع گوناگونی از اطلاعات و محتوا (به ویژه هنجارها و ارزش ها) را انتقال می دهند.

فرضیه دهم: بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی داخلی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- آزمون پیرسون رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
رسانه های جمعی ملی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰	۳۹۰

پرووی از سبک های مختلف رفتاری دانش آموزان را از آنچه در محیط مدرسه و خانه ارائه می شود، دور کرده و از این طریق باعث می شود که نوعی تعارض برای آنها ایجاد شود. ین شبکه ها با تغییر مبانی هویتی و فکری دانش آموزان ارزش های به آنها تزریق می کنند که با ارزش ها و هنجارهای موجود متفاوت است. از این رو، نقش بسزایی در تغییر ارزشی دانش آموزان دارند که در سن هویت یابی و یادگیری هستند.

فرضیه یازدهم: بین فضای آموزشی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی داری برابر  $\text{Sig} = 0/000$  است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچکتر است نشان از معنی داری رابطه میزان و نحوه استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه می باشد. همچنین میزان همبستگی پیرسون ۰/۴۱۷ است که نشان دهنده رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه، با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تایید می شود. شبکه های مجازی با ایجاد فضای آزادانه برای کنش گیری دانش آموزان، گروه های مرجع و الگوهای فرهنگی و تربیتی آنها را تغییر می دهند. علاوه بر این، با دوستیابی و

جدول ۱۱- آزمون پیرسون رابطه فضای آموزشی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
فضای آموزشی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۳۲۰	۰/۰۰۰	۳۹۰

هر جزئی از نظام آموزشی از جمله معلم، کتب درسی، هم کلاسی ها، مدیر و حتی مستخدم مدرسه در ارتباط با دانش آموز قرار دارند بنابراین دور از ذهن نیست که همه ی این عوامل بر افکار، گفتار و کردار و ارزش های اخلاقی دانش آموز موثر باشند. مدرسه به عنوان یک نظام اجتماعی و نقش آن در تربیت دینی دانش آموزان محسوب می شود. ویژگی های شخصیتی معلم، نحوه ی ارتباط او با دانش آموز و اصولی که در تربیت اخلاقی دانش آموزان بکار می گیرد بسیار مهم است. برنامه درسی

با توجه به سطح شبه فاصله ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی داری برابر  $\text{Sig} = 0/000$  است که از سطح مورد نظر ۰/۰۱ کوچکتر است. نشان از معنی داری تأثیر فضای آموزشی بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه می باشد. میزان همبستگی پیرسون ۰/۳۲۰ است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تایید می شود.

فرضیه دوازدهم: به نظر می‌رسد که بین بعد اعتقادی دین-داری با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

معمولاً شناخت‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای ویژه را به دانش‌آموزان القاء می‌کند.

جدول ۱۲- آزمون پیرسون رابطه اعتقاد دینی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
اعتقاد دینی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	-۰/۳۳۴	۰/۰۰۱	۳۹۰

رفتاری آنها را کاهش داده و شخصیت آنها را تثبیت می‌کند. لذا اعتقادات دینی هنجارهای عمل و معیارهای مشخصی برای آنها در نظر می‌گیرد که مانع تضاد و تعارض می‌شود. از آنجایی که بخش مهمی از این اعتقادات از طریق مدرسه و والدین به دانش‌آموزان منتقل می‌شود لذا مانع فاصله و گسست ارزشی آنها با جامعه می‌شود.

با توجه به سطح شبه فاصله ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = ۰/۰۰۱$  است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچکتر است. میزان همبستگی پیرسون  $-۰/۳۳۴$  است که جهت رابطه معکوس و معنادار است. شدت رابطه نیز متوسط می‌باشد. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تایید می‌شود.

فرضیه سیزدهم: بین بعد عاطفی دین‌داری با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

اعتقادات دینی با تقویت بنیه‌های اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان، نوعی ثبات رفتاری ایجاد می‌کند. این امر علاوه بر اینکه از نظر معنای برای آنها اثربخش است، نوسانات

جدول ۱۳- آزمون پیرسون رابطه عواطف دینی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
عواطف دینی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	-۰/۲۶۶	۰/۰۲۱	۳۹۰

باعث می‌شود که دانش‌آموزان برای این دنیا و دنیای دیگر معنابخشی کنند. این معنابخشی ناشی از عدم تخطی از هنجارهایی است که دین آنها را تایید کرده و آنها تصور می‌کنند که اگر آنها را نادیده بگیرند با عقوبت و مجازات روبرو خواهند شد. از این حیث، عواطف دینی با ایجاد بستری برای حس پاداش و یا مجازات در ذهن دانش‌آموزان باعث می‌شوند که هنجارهای موجود در ذهن آنها مهمترین معیار رفتار و عمل باشند و عبور از آنها را نادیده بگیرند.

با توجه به سطح شبه فاصله ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = ۰/۰۲۱$  است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچکتر است. میزان همبستگی پیرسون  $-۰/۲۶۶$  است که جهت رابطه معکوس و معنادار است. شدت رابطه نیز متوسط می‌باشد. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تایید می‌شود.

فرضیه چهاردهم: بین بعد مناسکی دین‌داری با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

عواطف دینی به مثابه وجدان و حس همدلی دینی افراد و نیز برانگیختگی ناشی از آن هستند. از این‌رو، منبع قدرتمندی در جهت دهی به هویت اجتماعی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. حس یگانگی و همدلی برآمده از دین

جدول ۱۴- آزمون پیرسون رابطه اعتقاد دینی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
مناسک دینی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	-۰/۳۰۴	۰/۰۱۱	۳۹۰

جامعه است. این هنجارها هویت آنها را ساماندهی کرده و با القای استانداردهای اجتماعی و فرهنگی موجود که عمدتاً از طریق این مناسک منتقل می‌شوند، فضای ذهنی دانش‌آموزان را مشحون از الگوهای عمل می‌کنند. این الگوهای عملی مانع از آن می‌شوند که آنها به الگوهای جایگزین رو بیاورند. در نتیجه، قدرت سازگاری و انطباق آنها را با ارزش‌های جامعه بالا می‌برند.

فرضیه پنزدهم: بین ارزش‌های خانوادگی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۵- آزمون پیرسون رابطه بین ارزش‌های خانوادگی با فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
ارزش‌های خانوادگی	فاصله بین نسلی/تعارض گفتمان	۰/۴۵۸	۰/۰۰۰	۳۹۰

#### مدلسازی متغیرهای پژوهش

برای تأیید روایی سازه برای هر کدام از مدل‌ها به طور جداگانه از نرم‌افزار AMOS25 استفاده شد. مدل اندازه‌گیری نشان‌دهنده بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شده (عامل) برای هر متغیر مکنون است. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده بوسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. در تحلیل عاملی تأییدی توجه به برازش مدل نیز مهم است. شاخص‌های برازش رایج در مدل‌های اندازه‌گیری برای متغیرهای مکنون تحقیق در زیر هر شکل ارائه شده است. در میان شاخص‌های برازش اگر نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از ۲ باشد مدل از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص RMSEA کمتر از ۰/۱ مطلوب است. سایر شاخص‌ها نیز هر چقدر به یک نزدیکتر باشند مطلوب‌تر است و نتایج شاخص‌های برازش نشان داده همه شاخص‌ها مطلوب هستند.

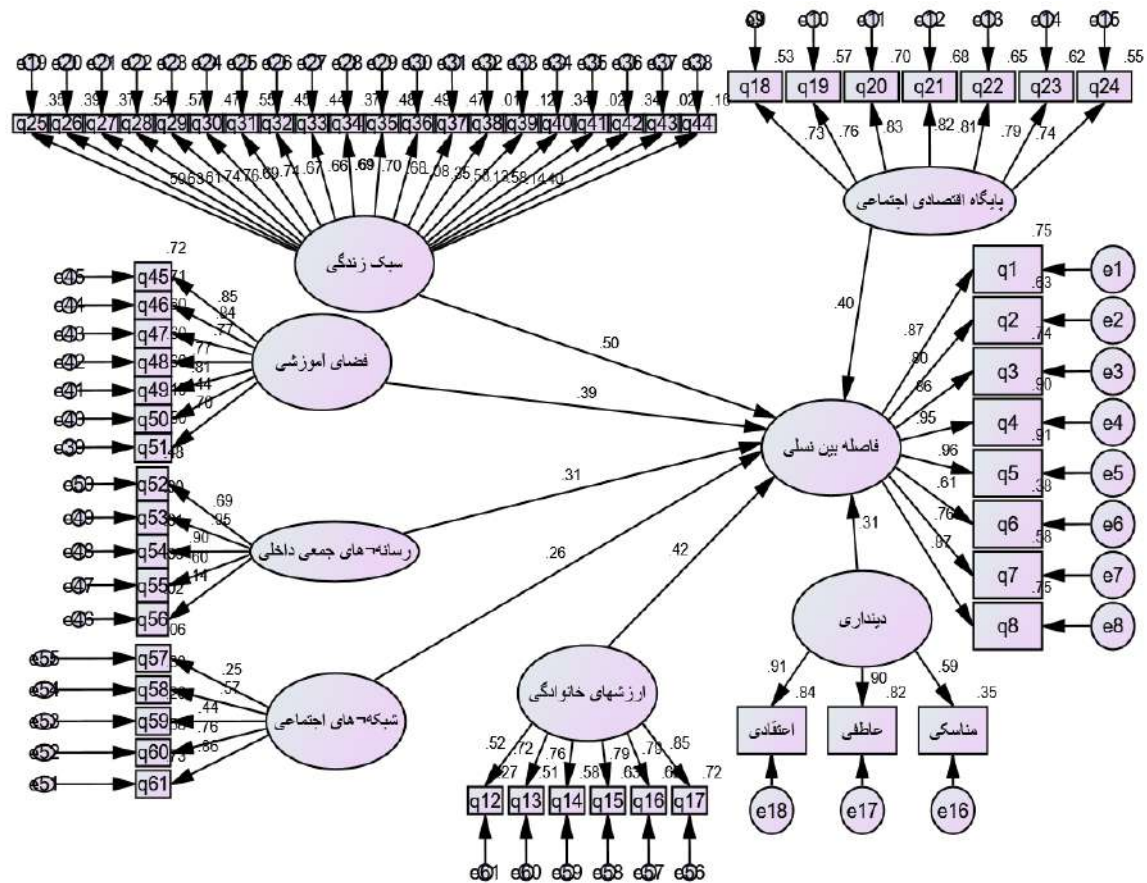
داده‌های این تحقیق از روش استاندارد کردن داده‌ها در مسیر تحلیلی آنالیز رگرسیون در SPSS24 مورد ویرایش قرار گرفت و داده‌هایی که در دامنه ۳+ تا ۳- قرار داشتند مورد استفاده قرار گرفتند و داده‌های بیشتر و کمتر از این دامنه از داده‌ها حذف گردیدند تا داده‌های استاندارد شده-تری را برای تحلیل در اختیار محقق قرار دهد.

با توجه به سطح شبه فاصله ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = ۰/۰۱۱$  است که از سطح موردنظر ۰/۰۵ کوچکتر است. میزان همبستگی پیرسون ۰/۳۰۴- است که جهت رابطه معکوس و معنادار است. شدت رابطه نیز متوسط می‌باشد. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تأیید می‌شود.

دانش‌آموزان در وضعیت جامعه‌پذیری با مناسک دینی به-مثابه جلوه برونی دینداری روبرو می‌شوند. این مناسک که قالب‌های مختلفی دارد، عین یگانگی با هنجارهای دینی

با توجه به سطح فاصله‌ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$  است که از سطح موردنظر ۰/۰۵ کوچکتر است. میزان همبستگی پیرسون ۰/۴۵۸ است که جهت رابطه معکوس و معنادار است. شدت رابطه نیز متوسط می‌باشد. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تأیید می‌شود.

ارزش‌های خانوادگی میزان انسجام عاطفی و هنجاری فرد با خانواده را نشان می‌دهد. تعهدات دانش‌آموزان در خانواده و همگام با ارزش‌های آن حول کار، شغل، ازدواج و .. معنا پیدا می‌کند. لذا، زمانی که این پیوستگی بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها برقرار باشد، شاهد همبستگی و تعهدات متقابلی خواهیم بود که حیات‌بخش الگوهای رفتاری آنها در طول زندگی است. لذا، ارزش‌های خانوادگی نقش مهمی در فاصله بین نسلی دانش‌آموزان و نیز تعارضات برآمده از آن در زندگی آنها هستند. در واقع، می‌توان گفت خانواده اولین منبعی است که دانش‌آموزان حس تعارض و فاصله با ارزش‌های جامعه را در آن حس کرده و سپس آن را به کلیه شئون زندگی خود تسری می‌دهند.



نمودار ۱- معادلات ساختاری با ضریب استاندارد

در ادامه، شاخص‌های برازش مدل در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱۶- شاخص‌های برازش مدل کلی

SRMR	PCFI	PNFI	PRATIO	RFI	IFI	GFI	CFI	NFI	RMSEA	X2/df	مدل کلی
< ۰/۸	≥ ۰/۶	≥ ۰/۶	≥ ۰/۵۰	≥ ۰/۶	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	< ۰/۱	< ۳	میزان قابل قبول
۰/۰۳	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۶۷	۰/۷۱	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۰۶۵	۲/۵۵۳	محاسبه شده

نتایج آزمون روابط در مدل کلی تحقیق در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱۷- نتایج سطح معناداری رابطه‌ها

متغیر	تاثیر	متغیر	خطای استاندارد
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	<---	فاصله بین نسلی	۰/۷۸۲
سبک زندگی	<---	فاصله بین نسلی	۰/۴۲۹
فضای آموزشی	<---	فاصله بین نسلی	۰/۵۲۲
رسانه‌های جمعی داخلی	<---	فاصله بین نسلی	۰/۴۸۶
شبکه‌های اجتماعی	<---	فاصله بین نسلی	۰/۵۴۱
دینداری	<---	فاصله بین نسلی	۰/۳۸۹
ارزش‌های خانوادگی	<---	فاصله بین نسلی	۰/۴۷۲

### نتیجه‌گیری

امروزه در جوامع مختلف، به‌خصوص جوامع در حال گذاری مانند ایران تغییرات و تحولات ارزشی در ابعاد مختلف زندگی رخ داده و این وضعیت در مواردی شدید است که منجر به بروز فاصله و شکاف بین نسل‌های مختلف می‌شود و شرایط تعارض‌گونه ایجاد می‌کند. آنچه در اینجا به‌عنوان فاصله نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه از آن یاد می‌شود نیز وجهی از این وضعیت گذار را به نمایش می‌گذارد؛ گذاری که والدین آنها را در یک شرایط ارزشی متفاوت با آنها قرار داده است و منجر به چالش‌های مختلفی در بین آنها شده است. آنچه در این مطالعه بررسی شد، نشان داد که علل موثر بر فاصله نسلی و تعارض گفتمان در بین دانش‌آموزان با نظام ارزشی جامعه متأثر از ابعاد مختلفی هستند. در بخش کمی متغیرهای پایگاه اقتصادی/اجتماعی، سبک زندگی در ابعاد سه‌گانه خود، فضای آموزشی، شبکه‌های مجازی، رسانه‌های جمعی داخلی، دین‌داری در ابعاد سه‌گانه آن و ارزش‌های خانوادگی با فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان رابطه معناداری را نشان دادند. البته بین متغیرهای دین‌داری (اعتقاد دینی، عواطف دینی و مناسک دینی) جهت رابطه معکوس بود. آنچه محل بحث است این است که تحول در نگاه دانش‌آموزان به‌عنوان جمعیت نوجوان جامعه به سوی ارزش‌های جدید سوق پیدا کرده است. در بین متغیرهای مورد بررسی تاثیر شبکه‌های مجازی بالا بود. می‌توان گفت که این فضا با ایجاد برساخت ارزش‌های جدید شرایطی ایجاد کرده است که فرصت‌های لازم برای اتخاذ الگوهای رفتاری جایگزین نظام ارزشی جامعه، به خصوص والدین فراهم کرده است. دانش‌آموزان/فرزندان با غور و حضور طولانی مدت در این فضا علاوه بر اینکه برای خود هویت‌های اشتهراری ایجاد می‌کند، با هویت سنتی موجود که در فضای خانواده و فضای مدرسه آن هم از طریق فضای آموزشی (به این متغیر مراجعه کنید) منتشر می‌شود، مقابله می‌کنند. زمانی که دانش‌آموزان می‌بینند که رسانه‌های اجتماعی داخلی

با توجه به خروجی نرم افزار آموس و سطوح معناداری برای تحلیل عاملی تأییدی کلی در جدول فوق، تمامی عامل‌ها از بار عاملی مناسبی برخوردار بودند و رابطه آنها با متغیر مکنون در ظاهر تأیید شده است. اگر مدلی که به شکل نمودار ترسیم می‌گردد توسط شاخص‌های برازندگی مدل تأیید شود، از آن نمودار مسیر می‌توان برای آزمون فرضیه‌ها در مورد وجود رابطه علی بین متغیرهای موجود در نمودار مسیر استفاده کرد. از آنجا که مدل توسط شاخص‌های برازندگی تأیید شده است، بنابراین می‌توان از مدل برای آزمون فرضیات تحقیق استفاده کرد. نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات آماری فرضیات فوق با کمک نرم افزار آموس محاسبه شده است. با توجه به اطلاعات حاصل از آزمون فرضیات، برآوردها و سطوح معناداری نشان داده است که اثر همه متغیرهای مستقل بر میزان فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه تأیید شده و همه متغیرهای مستقل همگی بر میزان فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه تاثیر دارند و در این میان متغیر دین‌داری با ابعاد سه‌گانه آن با ضرایب منفی اثر معکوسی دارند و این بدان معناست که با افزایش متغیر ارزش‌های اخلاقی خانواده و متغیر پایبندی به ارزش‌ها میزان فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه کمتر می‌شود، اما با افزایش بقیه موارد یا تغییر در بقیه موارد به میزان فاصله بین‌نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه افزوده می‌شود. در ادامه بعد از بررسی عوامل موثر فاصله بین‌نسلی در بین دانش‌آموزان و والدین با نظام ارزشی جامعه ارائه شده است. برای بررسی میانگین عوامل اثرگذار بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش‌آموزان با نظام ارزش جامعه با جامعه آماری والدین و فرزندان نمره میانگین و انحراف استاندارد نمرات این عوامل در والدین و فرزندان آن‌ها به تفکیک گزارش شده است. لازم به ذکر است که هرچه میانگین بیشتر باشد عامل مربوطه بیشتر اثرگذار است.

فراهم کرده است. علاوه بر این، مشاهده شد که سبک زندگی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان رابطه معناداری دارد. سبک زندگی از مهمترین متغیرهای است که نشان دهنده فاصله و تعارض است. سبک زندگی نسل قبل دانش آموزان که والدین و معلمان آنها هستند، عمدتاً حامل ارزش های دینی و هنجارهای است که به دهه های اولیه انقلاب اسلامی تا دهه ۶۰ برمی گردد. این نسل خود را وام دار ارزش های می دانند که در آن خانواده محور است و ارزش های آن محل انسجام و حیات برای افراد محسوب می شود. لذا سبک زندگی آنها سبکی مصرفی نیست، بلکه سبکی ارزشی است که حول معانی همچون خانواده، دین، تعاملات خویشاوندی و اشتغال پایدار می چرخد. این مفاهیم دقیقاً با نظام ارزشی دانش آموزان فاصله دارد. متغیر دیگر ارزش های خانوادگی بود. انتقال پذیری ارزش ها نیز عمدتاً از طریق خانواده انجام می شود. لذا، انسجام کارکردی خانواده نقش مهمی در ایجاد فاصله یا عدم آن دارد. مشاهده شد که بین ارزش های خانوادگی و فاصله بین نسلی و تعارض ارزشی رابطه معناداری وجود دارد. در این شرایط بدهی است که خانواده کانون تعارضات گفتمانی متعددی باشد. از دیگر متغیرهای مهم در این مطالعه دین داری بود که رابطه معکوسی با فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه دارد. بنابراین وجود گفتمان های ارزشی مختلف در سطح جامعه که منبع اصلی تراوش آنها فضای مجازی و رسانه است، اجازه نمی دهد که دین همچون گذشته به منبع اصلی معنا برای نوجوانان تبدیل شود.

#### پیشنهادات کاربردی

- تغییر فضای آموزشی از وضعیت کلاس محوری به یادگیری های مبتنی بر فراغت و آموزش های عملی باید در دستور کار قرار بگیرد. این امر کمک می کند که فضای آموزشی از فشار تناقضات عاری شده و در نتیجه قبل از اینکه تنشها و چالشهای هویتی فضای ذهنی دانش آموزان را پر کند، خودشان با این چالشها مواجه شده و در جهت رفع آنها اقدام کنند.

نمی توانند نیازهای آنها را پوشش بدهند، با پناه بردن به شبکه های مجازی جایگزین برای خود کسب آگاهی (هرچند کاذب) می کنند. این وضعیت همان چیزی است که در بین مقولات از آن به سیال و مجازی شدن یادگیری از آن تعبیر شده است. این امر در کنار فضای آموزشی محافظه کارانه در مدارس شرایطی ایجاد می کند که دانش آموزان/فرزندان ساخت ارزش های موجود را عمیقاً محافظه کارانه دانسته و نه تنها در بین این ارزش ها کسب هویت و اعتبار نمی کنند، بلکه آنها را مانع پیشرفت خود نیز می دانند. این قدرت رسانه ای شبکه های مجازی که در شکل دهی به افکار عمومی نیز خود را نشان داده است، در شرایطی است که رسانه های جمعی داخلی در بروز ظرفیت های هویت بخش خود در کنترل نسل جوان به خوبی فعالیت نمی کنند. تلویزیون، رادیو، روزنامه مجله هر کدام به فراخور موقعیت فردی و اجتماعی دانش آموزان می توانند سهمی از ساعات زندگی روزمره آنها را به خود اختصاص دهند. رسانه های جمعی در سال های اخیر کارکرد جدیدتری از خود را مطرح کرده اند که همان فرهنگ آفرینی است و با ایجاد چارچوبی تجربی و نگرش های کلی فرهنگی، می توانند آنها را در تغییر ارزشی مثبت و سازمان دهی اطلاعات در جهت انسجام دهی به هویت خود یاری دهند و شیوه ای را پی ریزی کنند که دانش آموزان بوسیله آن بتوانند زندگی اجتماعی را تغییر دهند. بنابراین می توان نتیجه گرفت الگوی ساختاری سنتی تاثیرگذار بر فاصله بین نسلی و تعارض گفتمان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه در حال تغییر است و تجربه مجازی شدن با شاخص هایی چون اینترنت و شبکه های اجتماعی، شبکه های ماهواره ای، بازی های رایانه ای به عنوان یک فضای جدید و فراگیر در شکل گیری ارتباطات، به سرعت در حال رشد و گسترش است. رشد فناوری های اطلاعات و ارتباطات، از یک سو موجب آسانی ارتباطات، از میان برداشتن موانع جغرافیایی و دسترسی به اطلاعات شده و از دیگر سو، زمینه های تاثیرگذاری بیشتر بر ارزش ها و هنجارهای دانش آموزان را



نامالایمات ذهنی خود غلبه و در برابر گفت‌مانهای متعارض مقابله به مثل کنند.

- ارائه بسته های آموزشی در قالب بروشورها و فیلمهای خاص هویتی و ارزشمدارانه می تواند در تعدیل فضای ذهنی دانش آموزان موثر باشد. برخی از دانش آموزان نسبت به وضعیت فرهنگی اطلاعات چندانی ندارند. این امر می تواند فاصله آنها را با نظام ارزشی کاهش دهد.

- انجام فعالیتهای فرهنگی در مدارس در جهت توجه به ابعاد تجربی و پیامدی دین مهم است. دانش آموزان ابعاد مناسکی دین را که بر انجام عبادات و ... توجه دارد را اساس دین دانسته و لذا از آن دوری می کنند. از اینرو ارائه الگوهای به منظور فهم دین می تواند همبستگی با نظام ارزشی جامعه که بخش مهمی از آن از طریق هنجارهای دینی بروز می یابد را برای آنها افزایش می دهد .

محدودیت‌های تحقیق عبارت بود از:

یکی از مهمترین مشکلات تحقیق حاضر به مشکلات ناشی از همه گیری ویروس کرونا برمی گردد. این امر باعث شد که در مقطعی که با فروبستگی مراکز علمی و دانشگاهی روبرو بودیم، نتوانیم به منابع کتابخانه ای دسترسی پیدا کنیم. علاوه بر این در مرحله گردآوری داده ها و پرکردن پرسشنامه ها، با عدم دسترسی زمانبندی شده به دانش آموزان روبرو شدیم که خود منجر به تاخیر در تکمیل به موقع این رساله شد. همچنین عدم همکاری مراکز و سازمانها از جمله آموزش و پرورش در مناطق پنجگانه جهت ارائه آمار و اطلاعات دقیق از دانش آموزان هر منطقه و هر مدرسه نیز از مشکلاتی بود که روند گردآوری داده ها را با وقفه های زیادی روبرو ساخت. از دیگر محدودیتهای تحقیق انتخاب هدفمند والدینی بود که چالش و فاصله ارزشی و تعارض گفت‌مان را با فرزندان خود تجربه کرده بودند. برخی والدین نسبت به انجام مصاحبه تردید داشتند و برخی دیگر نیز در خصوص مکان مصاحبه با مشکلاتی روبرو بودند که در نتیجه در فضای مدرسه به انجام مصاحبه ها اقدام کردیم.

- تقویت رابطه بین معلمان با والدین از یک طرف و دانش آموزان با معلمان از سوی دیگر سازوکاری است که راهکار خاصی در مدارس ندارد. همانگونه که در متغیرهای زمینه ای نیز دیده می شود، وضعیت این متغیرها میزان بالایی از رضایت را نشان نمی دهد. این امر در ایجاد فاصله بین معلمان، والدین و دانش آموزان به صورت آشکاری خود را نشان داده است.

- توجه به آموزشهای هویت مدار در مدارس امری ضروری است. برنامه های مدارس بیشتر حول مسائل ورزشی و یا کلیشه های تربیتی است که کارایی چندانی ندارد. لذا، لازم است که برنامه های در جهت گفتگو حول مسائل هویتی و الگوهای فکری دانش آموزان برگزار شود تا با بازنمایی ارزشهای خود بتوان در جهت رفع آنها اقدامات لازم را به عمل آورد.

- ایجاد حس مسئولیت و اعتماد به نفس در فرزندان با تعیین وظایف در خانواده و دادن یک حس مسئولیت به آنها در ایجاد صمیمیت در خانواده موثر است. در مضمون مهارتهای شناختی و ارتباطی اشاره شد که دانش آموزان فاقد مهارتهای لازم جهت مواجهه با شرایط حساس هستند. لذا، این مسئولیتها قدرت ذهنی و اجتماعی آنها را بالا برده و در نتیجه بهتر می توانند با مسائل ارزشی روبرو بشوند.

- امروزه بسیاری از دانش آموزان نسبت به محتوای درسهای خود همدلی و علاقه چندانی نشان نمی دهند، زیرا تصور می کنند که مهارتها و دانش لازم را به آنها نمی دهد. این امر در فاصله گیری آنها با فضای آموزشی نقش مهمی دارد. لذا، انعطاف پذیر ساختن دروس با نیازهای دانش آموزان می تواند در حد خود از شکاف نسلی جلوگیری کند.

- در یافته ها مشاهده شد که قومیت با فاصله بین نسلی و تعارض گفت‌مان دانش آموزان با نظام ارزشی جامعه تفاوت معناداری دارد. از اینرو لازم است که با توجه به مختصات فرهنگی اقوام دروسی طراحی شود که آنها را نسبت به جایگاه هویتی خود آشنا ساخته و بتوانند از این طریق بر

## منابع

- گیدنز آنتونی (۱۳۹۰) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی
- منطقی، مرتضی. (۱۳۹۲)، جوان و بحران‌های اجتماعی با تجربه غرب و ایران، تهیه و تنظیم علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- وخشوی، طیبه. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در دانش‌آموزان، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ولایتی، رقیه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه. کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی یوسفی، عاطفه، فراشبندی، رضا؛ شریفی، زهرا. (۱۳۹۶).
- بررسی عوامل مؤثر بر شکاف بین نسلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان نجف آباد. اولین همایش ملی آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زمینه‌ها، چالش‌ها و راهکارها)
- Dickar, M. (2008), Corridor Cultures: Mapping Students Resistances at an Urban High School. New York University Press.
- Fletcher, Jason; Han, Joel Kaiyuan. (2021). High schools and intergenerational mobility, Research in Social Stratification and Mobility, In Press, Journal Pre-proof
- Gillespie, B. J.; Lippe, T. d. (2015). Intergenerational cohesiveness and later geographic distance to parents in the Netherlands, Advances in Life Course Research, Volume 23, 56-66.
- Giroux, H. A. (2004). Cultural studies, public pedagogy, and the responsibility of intellectuals. Communication and Critical/cultural Studies, 1(1), 59-79.
- He, W., Goodkind, D., & Kowal, P. R. (2016). An aging world: 1-9.
- Jena, R. K. (2016). Effect of Generation Gap on Organizational Commitment: A Case Study of Ferro-alloy Industries in India. Global Business Review, 17(3\_suppl), 76S-89S.
- LaRue, K., Daum, T., Mausach, K. et al. (2021). Who Wants to Farm? Answers Depend on How You Ask: A Case Study on Youth
- اینگلهارت، رونالد و پل. آر ابرامسون (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. ترجمه: شهناز شفیع زاده. تهران: نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال چهارم شماره ۱۴ و ۱۵.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- برگر، پیتر و لاکمن، تامس (۱۳۸۷)، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- چنگی آشتیانی، مهری؛ چنگی آشتیانی، صدیقه. (۱۳۹۶). نقش شکاف نسلی در عصر حاضر، مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی، ۹(۲): ۲۵-۳۲.
- حاضری علی محمد و اسماعیل رضاپور (۱۳۹۲)، مطالعه برخی عوامل مؤثر بر بروز مقاومت دانش‌آموزان در برابر هنجارهای مدرسه بررسی دبیرستان‌های شهر تهران، جامعه شناسی ایران، ۱۴(۴): ۳۵-۶۲.
- ذبیح پورشاره، نبی اله؛ و همکاران. (۱۳۹۶). شکاف نسل‌ها با رویکرد جامعه‌شناختی (بررسی و تحلیل چند نظریه و تیوری در حوزه جامعه شناسی شکاف نسلی). اولین همایش ملی آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زمینه‌ها، چالش‌ها و راهکارها).
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه؛ مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران: سمت.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۰). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی شیری، حامد. (۱۳۹۷). جهانی‌شدن فرهنگی و دگرگونی هویت نسلی: بررسی سبک زندگی نسل والدین و فرزندان در سندج. مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی. ۶(۴): ۷۸-۱۱۱.
- فتیحی سروش و معصومه مطلق. (۱۳۹۰). جهانی‌شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات)، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۵): ۱۴۵-۱۷۷.

Aspirations in Kenya. *Eur J Dev Res* 33, 885–909

Reis, Logan; Mercer, Kathryn; Boger, Jennifer. (2021). Technologies for fostering intergenerational connectivity and relationships: Scoping review and emergent concepts, *Technology in Society*, Volume 64, 101494.

Ruth, P. Nicole, E. Stephanie, A. W. Gail, K. Katrina, R. Micah, G. Hiroko, H. D. Ebony, L. Ying, X. George, K. Myra, H. Jean, P. Kaarin, J. A. Nicola, T. L. Anneke F. Kenneth, R. (2021). Intergenerational Programmes bringing together community dwelling non-familial older adults and children: A Systematic Review, *Archives of Gerontology and Geriatrics*, Volume 94, 104356.

---

Quarterly Journal of Educational Psychology  
Islamic Azad University Tonekabon Branch  
Vol. 12, No. 2, summer 2021, No 46



Journal of Educational  
Psychology

---

## investigating the causes of the intergenerational gap and the conflict between students' discourse and the value system of society

Elaheh Imani<sup>1</sup>, Alireza Kaldi<sup>2\*</sup>, Bagher Saroukhani<sup>3</sup>

- 1) PhD student, Department of Sociology, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
- 2) Prof. Department of Sociology, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
- 3) Prof, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

\*Corresponding author: a-kaldi@sbiau.ac.ir

---

### Abstract

This research has been conducted with the aim of investigating the causes of the intergenerational gap and the conflict between students' discourse and the value system of society. The research method is mixed. The statistical population was students and parents of the second secondary school (high school) in Tehran. The sample size was determined based on Cochran's formula of 385 people. The tool for collecting data in the quantitative part was a questionnaire. The findings show that between the variables of gender, educational level, ethnicity, field of study, economic/social base (0.22), cultural consumption (0.31), material consumption (0.35), leisure time (0.31), the amount of use of internal mass media (0.36), the amount of use of virtual networks (0.41), educational space (0.32) and family values (0.45) have a positive and significant relationship. However, there is a negative and significant relationship between the variables of religious belief (-0.34), religious emotions (-0.26), and religious rituals (-0.30). No significant relationship was observed between the variables of educational background and field of study with intergenerational distance. The regression analysis of the data also shows that the independent variables can explain 0.423 of the changes in the dependent variable. The results of this study show that students face many challenges in identifying and linking themselves with society's values; Therefore, when they cannot face the identity responses to relieve their inner turmoil, they gradually distance themselves from the dominant values and face a gap.

**Key words:** intergenerational gap, family values, lifestyle.

---